



به بهانه حضور سعید پورصمیمی در «پرویز خان»

شبیه الماس

چهره

محدثه واعظی پور
روزنامه نگار

راستش را بخواهید، حضور، نام و اعتبار سعید پورصمیمی است که برای نمایش «پرویز خان» (علی ثقفی) کنجکاوی ایجاد می‌کند و نه هیچ چیز دیگری. نه حتی شخصیت پرویز دهداری و نه سابقه ساخت فیلم‌های ورزشی. سعید پورصمیمی بازیگری گزیده‌گار، محترم و درخشان است. حالا که گرد پیری بر صورتش

را در «ناخدا خورشید» جان بخشیده، فاصله از هیاهوی بازیگری، کوشیده و انتخاب‌کننده باشد. مانند هر بازیگر حرفه‌ای، گاهی نقش و فیلم در شأن و اعتبارش نبوده و گاه، بسیار فراتر از نقش و فیلم یا سریال، وزن و وقاری به اثر بخشیده است. آنچه مهم است، نفس حضور و ادامه دادن برای بازیگر بزرگ و معتبری است که ملول

کند (مدرسه پرمردها) یا جدی باشد (دلشدگان) و نقش منفی را طوری بازی کند که به یاد بماند و از ذهن پاک نشود (نسل سوخته). گمان نمی‌کنم کارگردانی یا پورصمیمی همکاری کرده باشد و محو این قدرت برای شکل دادن به شخصیت‌ها نشده باشد. به کارنامه او که نگاه می‌کنیم، نقش‌ها فیلم‌ها، متنوع و گاه دور از هم هستند، با این همه کمتر می‌توان به نمونه‌ای رسید که بگوییم پورصمیمی در این نقش ضعیف بوده است. در نقش‌های بسیار کوتاه «یه حبه قند» (رضا میرکریمی) و «پوسیدن روی ماه» (همایون اسعدیان) نقش را به مرکز توجه تبدیل کرده و به اندازه

بازیگران نقش‌های پررنگ، به چشم می‌آید. پورصمیمی بازیگری نیست که خودش را به نمایش بگذارد و محتاج تماشا باشد، او به «بازیگری» عشق می‌ورزد، به همین دلیل در خدمت فیلم است و نقش یک مأمور پلیس در سریال خوب «پچه‌های خیابان» (همایون اسعدیان) یا یک قاضی در «در پناه تو» (حمید لیخنده) را با چنان وقاری بازی کرده که سیمایی متفاوت در میان نمونه‌های ایرانی از آنها خلق شده است. شاید باید پذیرفت که با او، همه نقش‌ها ماندگار می‌شوند. اسفندماه امسال، پرویز پورصمیمی ۸۰ ساله می‌شود. همچون او سلامت و باهوش کم داریم و جای بسیاری از

بزرگان بازیگری مان خالی است. برای ما که سینما را با عزت‌الله انتظامی، علی نصیریان، پرویز پورحسینی، توران مهرزاد، محمدعلی کشاورز و فخری خوروش، نمایندگان آن نسل تئاتری، با هویت و اصیل به یاد می‌آوریم، حضور پورصمیمی در جشنواره فیلم فجر یک اتفاق خوش‌یمن است. نسل بازیگری عوض شده و بسیاری از نام‌ها، امروز خاطره هستند و یادبود. چه فرخنده است که هنوز پورصمیمی مقابیل دوربین می‌رود و به خلق یک شخصیت فکری می‌کند. جای بازیگر بزرگی مثل او در سینمای ایران همیشه خالی است.

علی ثقفی در گفت‌وگو با «ایران» از تجربه کارگردانی «پرویز خان» می‌گوید

دهداری یاد داد می‌توان جنگید و برنده شد

گفت و گو

حامد چیرودی
روزنامه نگار

جشنواره فیلم فجر در حالی این روزها در حال برگزاری است که تیم ملی فوتبال کشورمان هم در مسابقات جام ملت‌های آسیا حضور دارد و با حضور در مرحله نیمه نهایی از شانس زیادی برای قهرمانی برخوردار است. در این شرایط، جشنواره فجر نیز حال و هوایی فوتبالی به خود گرفته است. بخصوص اینکه یکی از فیلم‌های حاضر در این دوره از جشنواره، موضوعی فوتبالی دارد. فیلم سینمایی «پرویز خان» به کارگردانی علی ثقفی که موضوع آن بررسی از مقطعی حساس از زندگی زنده‌یاد پرویز دهداری سرمرئی اسبق تیم ملی فوتبال ایران در سال ۱۳۶۵ است که در آن ۱۴ بازیکن تیم ملی از حضور در این تیم استعفا دادند تا یکی از پرحاشیه‌ترین اتفاقات تاریخ تیم ملی رقم بخورد. ثقفی در این فیلم سعی کرده تا شرایط آن دوره را به تصویر بکشد و آن را به صورت داستانی جذاب به مخاطب عرضه کند. او که تجربه ساخت فیلم‌های کوتاه و مستندهای مختلفی دارد، با ژانر سخت ورزشی اولین فیلم بلند خود را ساخته که به نظر می‌رسد به خاطر موضوع فوتبالی‌اش، استقبال مخاطب را به همراه داشته باشد. ثقفی در گفت‌وگو با «ایران» درباره این فیلم و شرایطی که برای ساخت آن تجربه کرده، صحبت کرده است.



خیلی‌ها می‌دانند که آقای دهداری با اتوبوس رفت و آمد می‌کرد. ماشین نداشت و رانندگی بلد نبود و سوار تاکسی هم نمی‌شد

جرقه ساخت «پرویز خان» چطور زده شد؟

از زمانی که کار فیلمسازی را شروع کردم و چند مستند هم درباره فوتبال ساختم، علاقه زیادی داشتم که یک فیلم سینمایی فوتبالی بسازم. خودم هم به فوتبال علاقه زیادی دارم و وقتی مسابقات را می‌بینم، خیلی احساساتی می‌شوم. وقتی اسم آقای دهداری مطرح شد، با اشتیاق سوزده ساخت فیلم درباره ایشان را قبول کردم. اتفاق‌هایی هم که در زمان مربیگری آقای دهداری رخ داده بود، جزو اتفاق‌های خاص فوتبال ایران بود که جذابیت داستانی داشت.

ساخت فیلم‌هایی در ژانر ورزشی، کار سختی است. در سینمای ایران چند فیلم از این دست مانند «غلامرضا تختی» یا «بیرو» ساخته شده است؟ درباره روند ساخت «پرویز خان» و شرایطی که برای ساخت آن تجربه کردید، توضیح دهید.

همان‌طور که اشاره کردید، ساخت فیلم ورزشی کار سختی است و به ندرت فیلم‌هایی از این دست ساخته شده، خصوصاً فیلم‌هایی که درام اصلی آن هم روی مسابقه متمرکز باشد. در حالی که در فیلم ما، ۳۰ دقیقه از درام در جریان بازی می‌گذرد و مهم‌ترین اتفاقات‌های فیلم هم در همان مسابقه

رخ می‌دهد.

نقش جلوه‌های ویژه در فیلم بسیار مشهود است. مثل فضای دهه ۶۰، ورزشگاه سعیم بن حمد دوچه یا ورزشگاه پر آزادی. این جلوه‌های ویژه چطور ساخته شد؟

اینکه می‌گویم فیلم ما، فیلم سختی بوده، به همین خاطر است که این کارها زیاد در سینمای ایران تجربه نشده و ما برای ساخت آنها باید وارد فضای ناشناخته‌ای می‌شدیم. دوربین این فیلم به وسط زمین مسابقه و بین بازیکنان می‌رود. ما حرکت‌های سریع دوربین داشتیم که توپ را دنبال می‌کرد و شلاقی بود. به همین خاطر، کار جلوه‌های ویژه ما بسیار سخت بود. من به دنبال این بودم که فضایی از فوتبال را ببینیم که تا به حال ندیده بودیم. همان‌طور که می‌دانید، فیلمبردار یک مسابقه فوتبال، از زمین فاصله می‌گیرد تا مسابقه را نشان دهد ولی ما نمی‌خواستیم بازی را نشان دهیم و می‌خواستیم آدم‌ها را وسط مسابقه نشان دهیم.

بازیگران فیلم چطور انتخاب شدند؟ یکی دیگر از سختی‌های فیلم پرویز خان، همین انتخاب بازیگران بود. ما باید افرادی را انتخاب می‌کردیم که هم شبیه باشند، هم بازیگر باشند و هم فوتبالیست باشند. این موضوع



بر اساس مستندات واقعی بودند. مثلاً اینکه عابدزاده قلم‌زنی‌کار می‌کرده، واقعیت دارد، البته برای شخصیت‌هایی مثل عابدزاده وزینچه هم کمی تخیل وارد کردم

انتخاب کنیم. بازیگری که نقش مؤید حداد را بازی می‌کند، بسیار خوب بود یا بازیگری که نقش گزارشگر عرب را بازی می‌کرد.

از اسکندر کوی گزارشگر قریبی فوتبال و محمدرضا کریمندی مربی فوتبال هم در نقش‌های خودشان استفاده کردید.

بله آقای کوی‌تی به ما افتخار دادند و نقش خودشان را بازی کردند. آقای کریمندی خیلی زحمت کشیدند و از اصفهان آمدند و سه ساعت و نیم زیر گریم سنگین بودند و افتخار دادند در یک صحنه ۳۰ ثانیه‌ای بازی کنند تا یک اتفاق تاریخی را در فیلم به تصویر بکشیم.

از این بازیگران که بگذریم، به سعید پورصمیمی می‌رسیم که نقش اصلی فیلم پرویز خان را بر عهده داشت.

ما باید بازیگری را انتخاب می‌کردیم که به آقای دهداری شبیه باشد. آقای پورصمیمی می‌گویند آقای پرویز پورحسینی زنده بود، من این نقش را بازی نمی‌کردم، چون ایشان شباهت بیشتری به آقای دهداری داشت. با تمام وسواسی که در انتخاب نقش دارند گفتند سناریو را می‌خوانم، اگر دوست نداشتیم، ناراحت نشوید. خوشبختانه فقط دو روز طول کشید که بگویند سناریو را دوست دارید و می‌آیند. بعد از آن حدود سه چهار ماه از تمرینات دورخوانی تا پلاتو و جلسات تحلیل و تمرینات فوتبال حضور داشتند تا با شخصیت آقای دهداری آشنا شوند. به نظر من بهترین خودشان بودند و

من فکر می‌کنم که چطور می‌شود بهتر از این بود؟ آقای پورصمیمی در تمام صحنه‌ها حضور داشت و با این همه دیالوگ، یک بار ندیدم که تیپ برزند یا دیالوگ را حفظ نباشند. ما ساعت‌ها درباره این نقش صحبت می‌کردیم و به قول خودشان با این نقش کشتی می‌گرفتند. جالب اینکه آقای پورصمیمی نه زیادی فوتبالی بودند و نه شناختی از آقای دهداری داشتند ولی از همان روزهای اول، تحقیقات پیرامون نقش را شروع کردند تا به شخصیت نزدیک شوند.

رو روند تحقیق فیلم از چه منابعی استفاده کردید؟

دو سال تحقیق و نگارش این فیلم طول کشید. ما کتاب خاصی راجع به آن مقطع از زندگی آقای دهداری که ۱۴ بازیکن تیم ملی استعفا دادند، نداشتیم. برای همین به منابع مختلفی رجوع کردیم. باید راجع به شخصیت‌های دیگر فیلم مثل عابدزاده، راجع به دهه ۶۰، اتفاقاتی سیاسی، اجتماعی و ورزشی آن دوران، درباره بازیکنان مستعفی، درباره خود آقای دهداری و خانواده‌اش تحقیق می‌کردیم. ما ابتدا پرسش‌ها را طرح کردیم و اطلاعاتی هم بدست آوردیم. از روزنامه‌های سال ۱۳۶۵ تا صحبت با خانواده آقای دهداری. با آقای رضا وطنخواه دستیار آقای دهداری، مصاحبه سه ساعته داشتیم. با شاگردان شان صحبت کردیم. مصاحبه‌های روزنامه‌ها در آن دوران را خواندم.

نظر خانواده‌ها شانه چه بود؟

ما با دخترشان صحبت کردیم که خیلی اطلاعات خوبی به ما دادند. خانواده آقای دهداری آقای وطنخواه که نزدیک‌ترین فرد فوتبالی به ایشان بودند، در جریان کامل ساخت فیلم بودند و خوشبختانه به ما اعتماد کردند و لطف داشتند.

شماره داستان به بررسی از زندگی دهداری اشاره دارد اما به آن ۱۴ بازیکن مستعفی زیاد نمی‌پردازید و حتی اسم ستعار برای یکی از آنها انتخاب کردید، چرا چنین تصمیمی گرفتید؟

آن شخصیت که نام وحید کامیاب را برایش انتخاب کردیم، ترکیب چند بازیکن است، به اضافه تخیل نویسنده. ما از قصد این کار را کردیم که به بازیکن خاصی از آن جمع اشاره نداشته باشیم. نمی‌خواستیم اذهان سمت یک نفر برود. ولی شخصیت‌های نقش شاگردان دهداری را واقعی نشان دادید.

بله بر اساس مستندات واقعی بودند. مثلاً اینکه عابدزاده قلم‌زنی کار می‌کرده، واقعیت دارد، البته برای شخصیت‌هایی مثل عابدزاده و وزینچه هم کمی تخیل وارد کردیم.

اتوبوس سوار شدن دهداری و اینکه بین جمعیت زیاد اتوبوس گیر افتاده بود، اغراق شده نبود؟

نه خیلی‌ها می‌دانند که آقای دهداری با اتوبوس رفت و آمد می‌کرد. ماشین نداشت و رانندگی بلد نبود و سوار تاکسی هم نمی‌شد که همه شاگردانش اینها را می‌دانند و می‌گویند.



دل کل فکری کنید مخاطب چقدر از فیلم پرویز خان استقبال کند؟

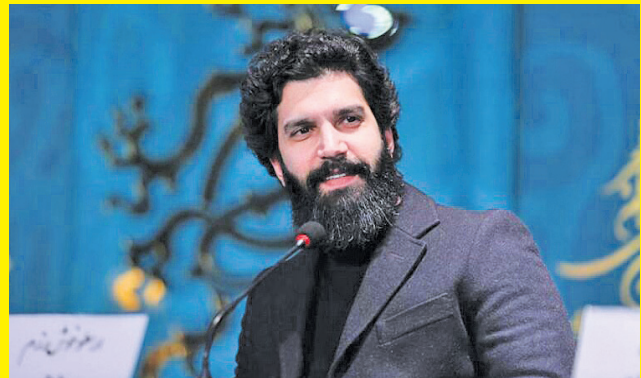
امیدوارم که این اتفاق بیفتد. ما تلاش‌مان را کردیم و برای ساخت فیلم زحمت زیادی کشیدیم. از طرح صحنه و فیلمبرداری تا بازیگر و گریمور. روزهایی بود که حدود ۸۰ تا ۹۰ نفر گریم می‌شدند و باید لباس دهه شصتی می‌پوشیدند. گریم‌ها از روی فیلم اصلی طراحی شده یا نیمکتی که آقای دهداری می‌نشسته، همان‌طور بوده است. پیدا کردن فیلم بازی ایران و کویت خودش داستانی داشت و با طی کردن مسیری عجیب آن را پیدا کردیم. بازیگران باید برای بازی گرم می‌کردند و وقتی صحنه کات می‌خورد، بدن‌شان سرد می‌شد و گاهی مصدومیت به وجود می‌آمد اما خوب در پیاید. در ساخت فیلم سازمان سینمایی اوج خیلی ما را حمایت کردند که از این مجموعه تشکر می‌کنم. دوست دارم فیلم پرویز خان را بازیکنان تیم ملی فوتبال الان هم ببینند؟

خیلی زیاد. آرزویم این است که وقتی تیم ملی می‌خواهد به زمین برود یا هر تیمی، مربی بگوید بچه‌ها بیایید این فیلم را ببینیم تا روحیه بگیریم. دوست دارم این فیلم را به بازیکنان تیم ملی تقدیم کنم که وقتی بازی‌های‌شان را می‌بینیم، با تمام وجود آرزوی پیروزی‌شان را داریم. البته آقای دهداری یک الگو برای همه است؛ می‌توانند ببینند مثل ایشان می‌شود جنگید و برنده شد.

ارسطو خوش‌رزم بازیگر «صبح اعدام»

شباهت با حامد بهداد

شباهت بازی با حامد بهداد را خیلی زیاد به من گفته‌اند. من افتخار این را داشتم که در اولین حضورم به عنوان بازیگر با حامد بهداد در «یک مشت پر عقاب» همبازی بودم. آنجا همه فکری کردند ما با هم برادر هستیم. من خودم از علاقه‌مندان بازیگری حامد بهداد هستم. او، هم انسانی باسواد و هم بازیگر درجه یکی است. / ایرنا



قربانعلی طاهر فر کارگردان «آپاراتچی»

چالش‌های عنوان فیلم اولی

عنوان فیلم‌اولی یکی از چالش‌هاست. این عنوان وقتی به کارنامه هر کارگردانی مهر می‌خورد که می‌خواهد اولین فیلمش را بسازد، تعابیری ناخواسته در ذهن دوستان ایجاد می‌شود و فکر می‌کنند یا ناخنکی‌هایی در کارگردانی مواجه می‌شوند. عوامل فیلم «آپاراتچی» با من خیلی همراه بودند ولی به دلیل فیلم‌اولی بودن باید در برخی از چالش‌ها کوتاه می‌آمدند. / مهر



بهروز شعبانی کارگردان «آغوش باز»

برنده شدن با مخاطب

از آنجایی که جشنواره جمعی از متغیرهای غیرقابل پیش‌بینی است، خیلی در این بخش نمی‌توانم پیش‌بینی داشته باشم و نکته‌ای بگویم. فکری کنم ارتباط با مخاطب آغوش باز خیلی خوب خواهد بود. برنده شدن زمانی برای من جدی است که مخاطب، فیلم را ببیند و آن را دوست داشته باشد. این برنده شدن اصلی است. / ایرنا

